



فرصت‌ها و تهدیدهای تجاری ناشی از سیاست‌های تعرفه‌ای آمریکا



معاونت مطالعات اقتصادی و آینده‌پژوهی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

فرصت‌ها و تهدیدهای تجاری ناشی از سیاست‌های تعرفه‌ای آمریکا

اردیبهشت ۱۴۰۴

از طریق پست الکترونیکی زیر می‌توانید پیشنهادهای و نظرات اصلاحی خود را به واحد مربوطه منعکس کنید:

Economic_research@tccim.ir

مواضع این گزارش، الزاماً مواضع اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران نیست.

استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.

" Trade Opportunities and Threats Stemming from U.S. Tariff Policies"

In 2025 the United States abruptly abandoned its free-trade posture and unleashed an unprecedented tariff regime: a 25 percent duty on all steel, aluminum and automobile imports, a blanket 10 percent surcharge on every other good, a sliding scale of “reciprocal” tariffs tied to bilateral deficits with 57 countries and, for the first time, a 25 percent penalty on the entire U.S.-bound exports of any nation purchasing Venezuelan crude—turning tariffs into a tool of secondary sanctions. Justified under Section 232 national-security claims and IEEPA emergency powers, the package squarely targets China while sparing key allies with softer rates, but its shockwaves are global: removing part of Venezuela’s heavy crude tightens supply and pushes oil prices upward; barred volumes of steel and aluminum are being rerouted to Asia and the Middle East, intensifying price competition; and punitive auto duties are forcing manufacturers to re-engineer supply chains toward U.S. soil. For Iran, the shift is a double-edged sword. Higher oil prices can swell foreign-exchange earnings even under sanctions, and China’s search for alternative suppliers opens lanes for Iranian steel, petrochemicals and raw materials. Yet a tariff-driven global slowdown could crush energy demand and prices, while a flood of cheap metals erodes Iran’s regional share and the new “secondary-tariff” template hints that future U.S. action might target buyers of Iranian crude, further constricting trade finance. Mitigating risks and capturing gains will require locking in medium-term oil contracts at firm prices, accelerating export diversification to markets distancing themselves from Washington, fortifying non-Western payment channels and raising quality and after-sales support in metals and chemicals to survive the looming price war.

فهرست مطالب

خلاصه مدیریتی	۵
۱. مروری بر روند سیاست تعرفه‌ای آمریکا	۶
۲. تحولات اخیر سیاست‌های تعرفه‌ای آمریکا ۱۴۰۴	۷
۳. تحلیل کشوری سیاست‌های تعرفه‌ای آمریکا	۸
۴. تحلیل بخشی سیاست‌های تعرفه‌ای آمریکا	۱۱
۱.۴. بخش انرژی (نفت)	۱۱
۲.۴. بخش فولاد و آلومینیوم	۱۲
۳.۴. بخش خودرو و قطعات خودرو	۱۴
۵. فرصت‌ها و تهدیدهای خاص برای ایران	۱۵
۱.۵. فرصت‌های بالقوه برای ایران	۱۵
۲.۵. تهدیدهای بالقوه برای ایران	۱۷
۶. جمع‌بندی	۱۸

خلاصه مدیریتی

در سال ۲۰۲۵ آمریکا ناگهان از بزرگ‌ترین مدافع تجارت آزاد به پرچمدار حمایت‌گرایی بدل شد و با بسته‌ای بی‌سابقه از تعرفه‌های سنگین، نقشه جریان‌های بازرگانی جهان را زیرورو کرد. از نیمه مارس، تعرفه ۲۵ درصدی جهانی بر فولاد و آلومینیوم و خودرو، تعرفه فراگیر ۱۰ درصدی بر همه واردات و سازوکار پله‌ای «تعرفه متقابل» بر اساس کسری تجاری با ۵۷ کشور به اجرا درآمد؛ افزون بر این، برای نخستین بار تعرفه به ابزار تحریم ثانویه تبدیل شد و واردکنندگان نفت ونزوئلا در معرض جریمه ۲۵ درصدی بر کل صادرات‌شان به آمریکا قرار گرفتند. واشنگتن تعرفه را هم سپر احیای صنایع داخلی و هم اهرم فشار ژئوپولیتیک می‌بیند: بهانه امنیت ملی در بخش^۱ ۲۳۲ و اختیارات اضطراری IEEPA^۲ مسیر را برای اعمال تعرفه‌هایی گشود که به طرز هدفمند چین را نشانه گرفته اما هم‌زمان متحدان نزدیک را با نرخ‌های پایین‌تر در دایره امن نگه می‌دارد. پیامد آن در بازارهای جهانی سه لایه دارد: نخست، حذف بخشی از نفت سنگین ونزوئلا عرضه جهانی را فشرده و چشم‌انداز افزایش قیمت نفت را پررنگ کرده است؛ دوم، مسدود شدن مسیر فولاد و آلومینیوم به آمریکا مازاد عرضه را روانه آسیا و خاورمیانه می‌کند و جنگ قیمت را تشدید می‌سازد؛ سوم، تعرفه سنگین خودروهای خارجی زنجیره تأمین قطعات را وادار به بازچینی و سرمایه‌گریزی به خاک آمریکا می‌کند.

برای ایران این تحولات شمشیری دولبه است. در سوی فرصت، احتمال رشد بهای نفت می‌تواند با حفظ حجم فروش موجود، درآمد ارزی را جهش دهد و حتی فضای مانور بیشتری برای فروش با تخفیف محدود فراهم کند؛ تغییر الگوی واردات چین و برخی اقتصادهای آسیایی نیز مسیر جدیدی برای صدور فولاد، پتروشیمی و مواد خام ایرانی می‌گشاید. در سوی تهدید، اگر جنگ تعرفه‌ای واشنگتن رکودی جهانی بیافریند و تقاضای انرژی افت کند، سقوط قیمت نفت ضربه‌ای مضاعف بر صادرات و بودجه ایران خواهد زد؛ هم‌زمان، هجوم فولاد و آلومینیوم ارزان رانده‌شده از بازار آمریکا می‌تواند سهم ایران را در منطقه فرسایش دهد و کاهش قیمت جهانی کالاهای پایه، حاشیه سود صنایع صادرات‌محور را کوچک کند. افزون بر آن، الگوی جدید «تعرفه ثانویه» آمریکا هشداری جدی است: اگر واشنگتن تصمیم بگیرد خریداران نفت یا پتروشیمی ایران را با تعرفه تنبیه کند، شرکای بازرگانی کشور ناچار به عقب‌نشینی خواهند شد و دسترسی مالی بیش از پیش محدود می‌شود.

در این میدان پریسک، راهبرد پیشنهادی برای ایران بر «موازنه فرصت و تهدید» استوار است: تثبیت پنجره قیمتی نفت با فروش قراردادی میان‌مدت، تنوع‌بخشی فوری به سبد صادرات غیرنفتی و تمرکز بر بازارهایی که آمریکا به دلیل تنش سیاسی

^۱ بخش ۲۳۲ از قانون توسعه تجارت مصوب ۱۹۶۲: (Section 232 of the Trade Expansion Act of 1962):

این بخش به دولت آمریکا امکان می‌دهد در صورتی که واردات یک کالا امنیت ملی را تهدید کند، بر آن کالا تعرفه یا محدودیت وارداتی اعمال کند. این ماده بیشتر در مواردی مانند فولاد و آلومینیوم استفاده شده است.

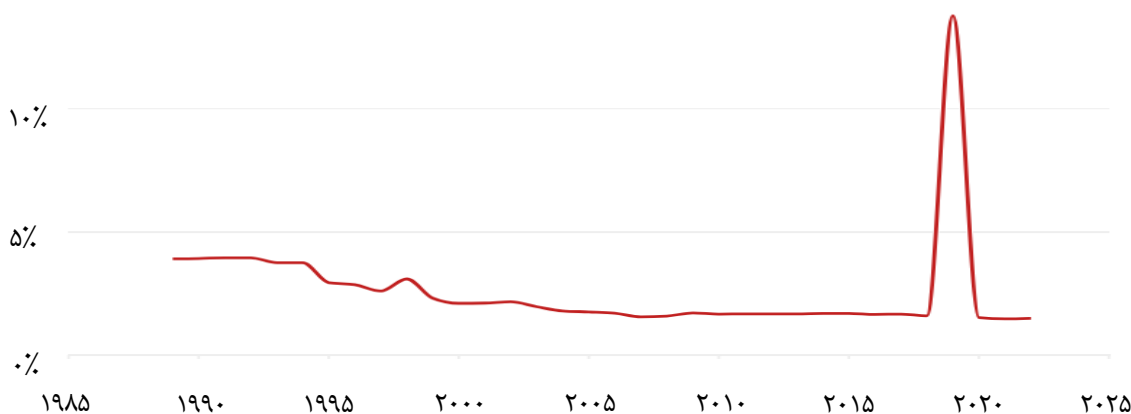
^۲ International Emergency Economic Powers Act - قانون اختیارات اضطراری اقتصادی بین‌المللی: این بخش به دولت آمریکا اجازه می‌دهد در برابر اقدامات تجاری ناعادلانه یا تبعیض‌آمیز کشورهای دیگر، اقدامات تلافی‌جویانه مانند اعمال تعرفه یا سایر محدودیت‌های تجاری اتخاذ کند.

یا تعرفه بالا از آن دور می‌شود؛ تقویت کانال‌های مالی غیرغربی و پیمان‌های پولی دوجانبه برای دورزدن شوک‌های نقل‌وانتقال؛ و چابک‌سازی دیپلماسی تجاری برای بهره‌گیری از شکاف در اردوگاه متحدان واشنگتن. هم‌زمان باید صنایع فولاد، آلومینیوم و پتروشیمی را برای رقابت بر مبنای کیفیت و خدمات پس از فروش مهیا کرد تا در نبرد قیمتی دوام آورند. در نهایت، برخورد هوشمندانه با این «جنگ تعرفه‌ها» می‌تواند تهدیدهای بلاواسطه را مهار و فرصت‌های پنهان را به مزیت پایدار بدل کند، به شرط آن‌که دولت و بخش خصوصی با هماهنگی، سرعت و دید بلندمدت عمل کنند.

۱. مروری بر روند سیاست تعرفه‌ای آمریکا

ایالات متحده آمریکا طی دهه‌های گذشته به طور سنتی یکی از مدافعان تجارت آزاد بوده است. میانگین وزنی نرخ تعرفه‌های اعمال‌شده این کشور از سطح حدود ۱۸٫۴ درصد در سال ۱۹۳۴ به کمتر از ۲ درصد تا سال ۲۰۰۷ کاهش پیدا کرد که نشان‌دهنده روند کاهشی قابل توجه تعرفه‌ها و باز شدن اقتصاد آمریکا در بستر جهانی شدن است. با این حال، از سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ (هم‌زمان با آغاز جنگ تجاری و نیز دوران اولیه پاندمی)، این روند متوقف شد و تعرفه‌ها به طور ناگهانی افزایش پیدا کردند. دولت آمریکا در چارچوب سیاست تجاری «اول آمریکا» و با هدف حمایت از منافع اقتصادی خود، حفظ امنیت ملی و تقویت رقابت‌پذیری صنعتی، شروع به افزایش تعرفه‌های وارداتی کرد تا کسری تجاری مزمن خود را کاهش دهد. این چرخش در سیاست تجاری آمریکا پیامدهایی منفی برای کشورهای کوچک‌تر و در حال توسعه در پی داشته و دسترسی آنها به بازار آمریکا را دشوارتر کرده است. در سال‌های اخیر، دولت آمریکا مجموعه‌ای از اقدامات تعرفه‌ای گسترده را در بخش‌های مختلف به اجرا گذاشته که بازتاب‌دهنده رویکرد جدید حمایت‌گرایانه این کشور است.

نمودار ۱. میانگین موزون نرخ تعرفه اعمال‌شده، از سال ۱۹۸۹ تا ۲۰۲۲



منبع: مجمع جهانی اقتصاد

۲. تحولات اخیر سیاست‌های تعرفه‌ای آمریکا ۱۴۰۴

سیاست تعرفه‌ای جدید آمریکا به ویژه در سال ۲۰۲۵ وارد مرحله کم‌سابقه‌ای شده و دولت این کشور اقدامات متعددی را به صورت پی‌درپی اعمال کرده است. مهم‌ترین اقدامات اخیر تعرفه‌ای آمریکا عبارت‌اند از:

- **۱۲ مارس ۲۰۲۵:** اعمال تعرفه ۲۵ درصدی جهانی بر واردات فولاد و افزایش تعرفه واردات آلومینیوم از ۱۰ درصد به ۲۵ درصد. این اقدام بر اساس اختیارات بخش ۲۳۲ و به بهانه حفاظت از صنایع داخلی به دلایل امنیت ملی صورت گرفت. شایان ذکر است پیش از این تاریخ، کشورهای نظیر آرژانتین، استرالیا، برزیل، کانادا، ژاپن، مکزیک، کره جنوبی، اتحادیه اروپا، اوکراین و بریتانیا از این تعرفه‌ها معاف بودند، اما در تصمیم جدید هیچ کشور یا استثنائی از شمول تعرفه‌ها مستثنی نشد. اجرای این تعرفه‌های فراگیر از ۱۲ مارس آغاز شد.
- **۲۴ مارس ۲۰۲۵:** صدور دستور اجرایی ریاست‌جمهوری برای اعمال تعرفه ۲۵ درصدی بر تمامی کالاهای وارداتی از کشورهایی که نفت ونزوئلا را وارد می‌کنند. این اقدام که با تکیه بر اختیارات قوانین اضطراری اقتصادی قانون (IEEPA) و همچنین بخش ۳۰۱ "قانون تجارت ۱۹۷۴"^۳ توجیه شده، در عمل ترکیبی از ابزار تعرفه‌ای و تحریم ثانویه است. هدف این تعرفه ثانویه، بازداشتن تمامی شرکای تجاری آمریکا از خرید نفت ونزوئلا از طریق ایجاد هزینه اضافی است. طبق این دستور، هر کشور ثالثی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از ونزوئلا نفت خریداری کند، ممکن است با تعرفه ۲۵ درصدی بر کلیه صادرات خود به آمریکا مواجه شود. آغاز اعمال این تعرفه‌های تنبیهی از ۲ آوریل ۲۰۲۵ برنامه‌ریزی شده است. این رویکرد بدیع، نشان‌دهنده استفاده واشنگتن از ابزار تعرفه به عنوان اهرم فشار ژئوپولیتیکی در حوزه انرژی است.
- **۳ آوریل ۲۰۲۵:** اعمال تعرفه ۲۵ درصدی بر خودروها و قطعات خودرویی وارداتی به ایالات متحده (بر مبنای بخش ۲۳۲ قانون گسترش تجارت). این تصمیم صنعت خودروسازی و زنجیره تأمین قطعات را هدف قرار داد. طبق این سیاست، خودروهای سواری، کامیون‌ها و قطعات یدکی ساخت خارج مشمول تعرفه سنگین شده‌اند. البته در چارچوب توافق‌های تجاری موجود (مانند پیمان، برای خودروهای وارداتی از مکزیک و کانادا که درصد قابل توجهی از قطعات آنها در آمریکا تولید شده باشد، تعرفه کمتری در نظر گرفته شده است تا اختلال کمتری در یکپارچگی زنجیره تأمین منطقه‌ای ایجاد گردد).

^۳ بخش ۳۰۱ از قانون تجارت ایالات متحده مصوب ۱۹۷۴: (Section 301 of the Trade Act of 1974):

این قانون به رئیس‌جمهور آمریکا اجازه می‌دهد در شرایط اضطراری ملی، برای مقابله با تهدیدات خارجی، محدودیت‌های اقتصادی و تجاری از جمله تحریم یا تعرفه بر واردات و صادرات اعمال کند.

• **۵ آوریل ۲۰۲۵:** آغاز اجرای یک تعرفه اضافی عمومی ۱۰ درصدی بر تمامی کالاهای وارداتی به آمریکا. این تعرفه‌ی فراگیر که به عنوان «تعرفه متقابل» شناخته می‌شود، بر اساس دستور اجرایی ۲ آوریل ۲۰۲۵ طراحی شده و هدف آن افزایش اهرم فشار آمریکا در مذاکرات تجاری از طریق اعمال هزینه عمومی بر واردات است. البته برخی کالاهای ضروری که در پیوست دوم دستور اجرایی ذکر شده بودند، از این تعرفه اضافی معاف شدند.

• **۹ آوریل ۲۰۲۵:** اجرای مرحله بعدی تعرفه‌های متقابل به صورت تفکیکی بر مبنای کشور. از این تاریخ، واردات از ۵۷ کشور شریک تجاری آمریکا با نرخ‌های تعرفه‌ای متفاوت (براساس میزان کسری تراز تجاری آمریکا با هر کشور) مشمول تعرفه شد. این نرخ‌ها از ۱۱ درصد برای کشورهایی مانند کامرون تا ۵۰ درصد برای کشورهایی نظیر لسوتو متغیر بود. طبق اعلام دولت آمریکا، نرخ تعرفه‌ی اختصاص یافته به هر کشور بر اساس کسری تجاری کالایی ایالات متحده با آن کشور در سال ۲۰۲۴ محاسبه شده و تراز خدمات در این محاسبه لحاظ نشده است. با این حال، برای کاهش تکانه‌های فوری بر بازار، آمریکا اعلام کرد که به مدت ۹۰ روز (تا ۸ ژوئیه ۲۰۲۵) تمامی این تعرفه‌های کشورمحور به طور موقت با نرخ کاهش یافته ۱۰ درصد اعمال می‌شوند و پس از این دوره به سطوح تعیین شده صعود خواهند کرد. این اقدام عملاً یک ساختار تعرفه‌ای پله‌ای را معرفی کرد که در آن کشورها بسته به شدت عدم توازن تجاری‌شان با آمریکا، با تعرفه‌های متفاوتی مواجه می‌شوند.

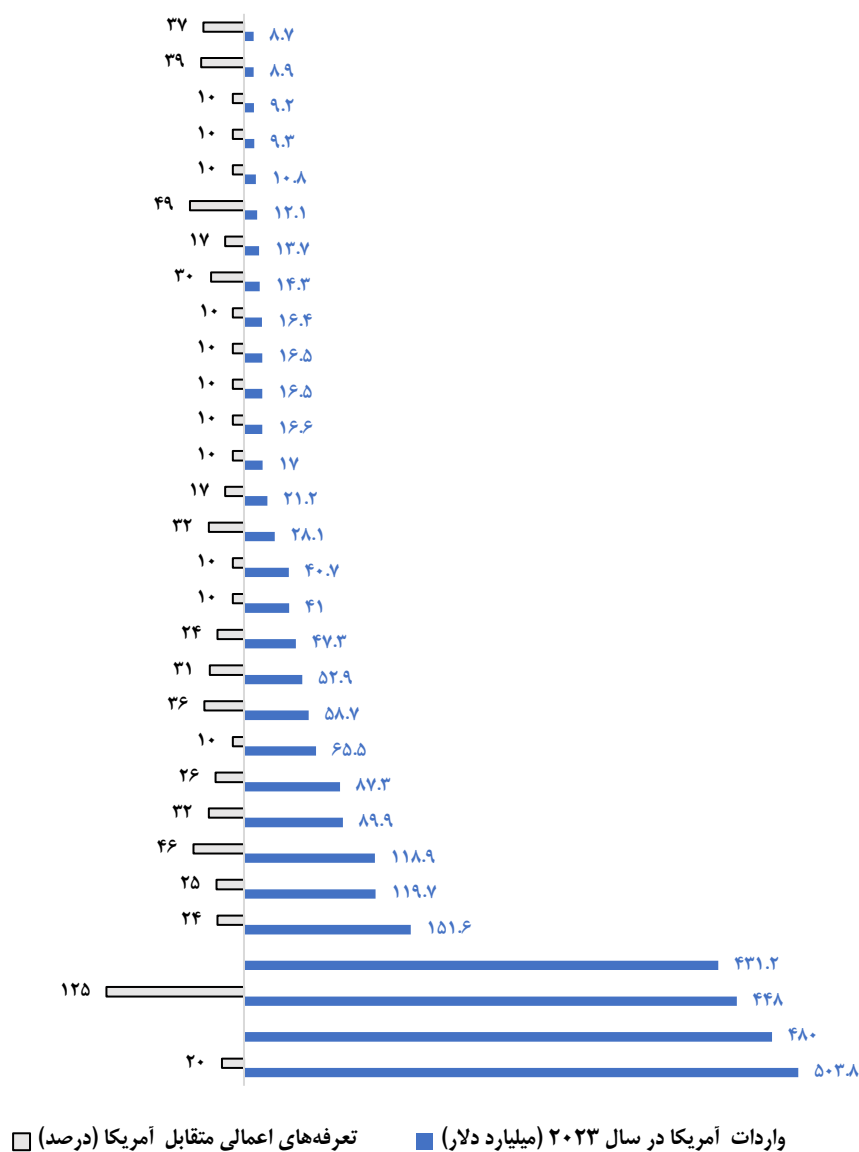
در مجموع، رژیم جدید تعرفه‌ای ایالات متحده نشان از یک چرخش استراتژیک در سیاست تجاری این کشور دارد؛ ترکیبی از فشار هدفمند بر رقبا، مدیریت روابط اقتصادی با شرکای راهبردی و بهره‌گیری از ابزار تعرفه به عنوان اهرم نفوذ ژئوپولیتیکی. به طور مشخص، چین با تعرفه‌های افزوده‌شونده که می‌تواند تا سطوح بی‌سابقه‌ای (گفته می‌شود در صورت اتمام دوره گذار تا ۱۲۵ درصد) برسد، به وضوح هدف اصلی این سیاست‌ها قرار گرفته است. این در حالی است که کشورهایی با روابط نزدیک‌تر و حجم تجارت بالا مانند مکزیک، کانادا و اتحادیه اروپا با نرخ‌های به مراتب پایین‌تری روبه‌رو شده‌اند. چنین تمایزی حاکی از آن است که واشنگتن در پی آن است تا رقابت راهبردی با رقیبانی چون چین را تشدید کند و همزمان ملاحظات سیاسی-امنیتی را در قبال متحدین خود مدنظر قرار دهد. به بیان دیگر، آمریکا از سیاست تعرفه‌ای جدید خود برای اعمال فشار حداکثری اقتصادی بر رقبای اصلی و در عین حال ارائه حاشیه امن تجاری به شرکای نزدیک‌تر بهره می‌گیرد. این رویکرد کلی، زمینه‌ساز تغییرات مهمی در الگوهای تجارت جهانی و مناسبات بین‌المللی خواهد بود.

۳. تحلیل کشوری سیاست‌های تعرفه‌ای آمریکا

همانطور که پیشتر نیز اشاره شد، رژیم جدید تعرفه‌ای ایالات متحده نشان از چرخشی استراتژیک در سیاست تجاری دارد؛ ترکیبی از فشار هدفمند بر رقبا، مدیریت روابط اقتصادی با شرکای استراتژیک و بهره‌گیری از ابزار تعرفه به عنوان اهرم نفوذ ژئوپولیتیکی. چین با تعرفه خیره‌کننده ۱۲۵ درصدی، به وضوح هدف اصلی این سیاست قرار گرفته، در حالی که کشورهایی با

حجم تجارت بالا مانند مکزیک، کانادا و اتحادیه اروپا با نرخ‌هایی به مراتب پایین‌تر مواجه‌اند؛ امری که از توازن میان ملاحظات اقتصادی و سیاسی در تصمیم‌گیری حکایت دارد. در سطح پایین‌تر، کشورهایی چون کامبوج، عراق و بنگلادش با وجود سهم محدود در واردات آمریکا، با نرخ‌های سنگین‌تری روبه‌رو شده‌اند که گویای استفاده از تعرفه نه تنها برای جبران کسری تجاری، بلکه برای بازتنظیم روابط اقتصادی جهانی با رویکردی رقابتی و بعضاً تنبیهی است. این ساختار جدید، از اقتصاد جهانی بازتر فاصله می‌گیرد و چشم‌انداز تجارت جهانی را به سمت تقابل‌های تجاری هدفمند سوق می‌دهد.

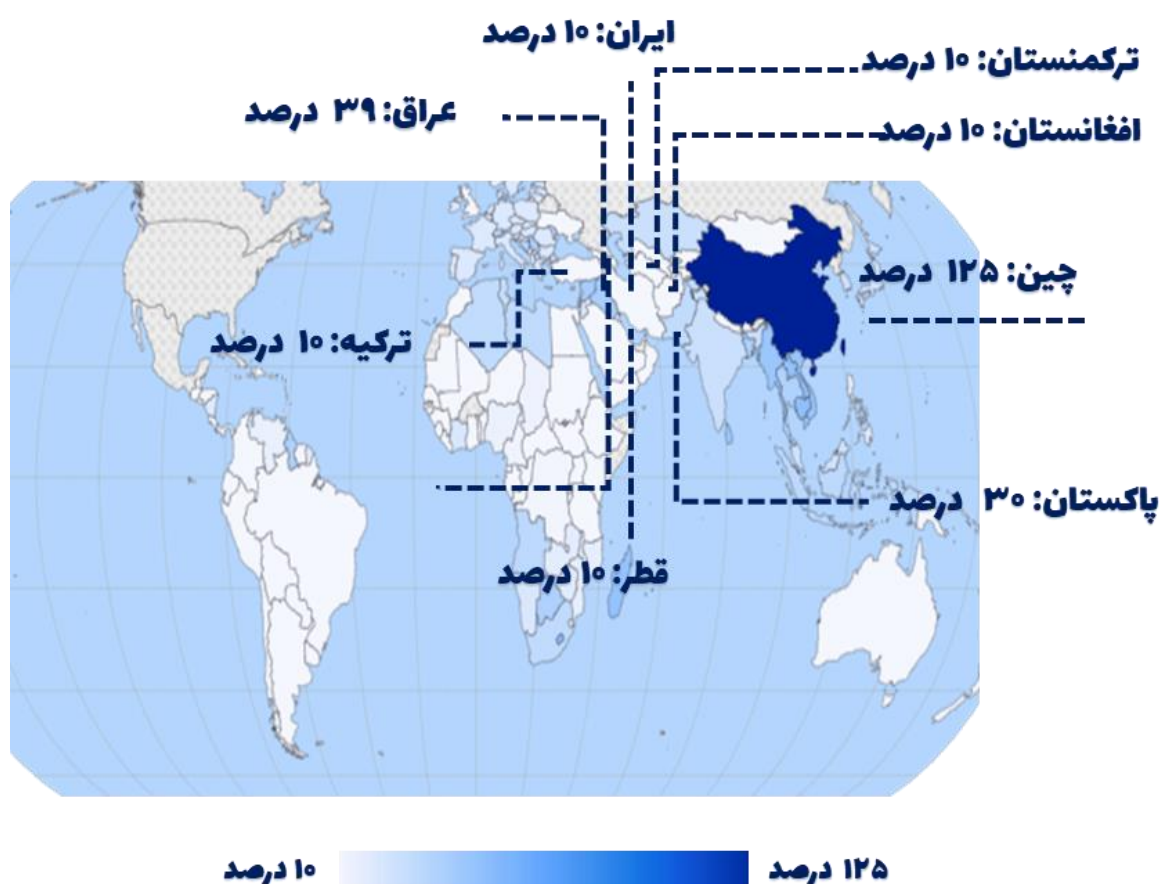
نمودار ۲. ارزش واردات آمریکا از مبادی اصلی وادراتی این کشور در سال ۲۰۲۴ و تعرفه‌های اعمالی بر این کشورها در سال ۲۰۲۵



منبع: مجمع جهانی اقتصاد

در نقشه تعرفه‌های جدید آمریکا، چین با تعرفه سنگین ۱۲۵ درصدی هدف اصلی سیاست فشار تجاری قرار گرفته که نشانه‌ای از تشدید رقابت راهبردی میان دو اقتصاد بزرگ دنیاست. ایران و بیشتر کشورهای همسایه‌اش مانند ترکیه، افغانستان، ترکمنستان، آذربایجان، ارمنستان و قطر با تعرفه یکنواخت ۱۰ درصدی مواجه شده‌اند که بیشتر جنبه کنترلی و نمادین دارد. در مقابل، کشورهایی مانند عراق (۳۹ درصد) و پاکستان (۳۰ درصد) با تعرفه‌های بالاتری روبه‌رو هستند که می‌تواند ناشی از نگرانی‌های ژئوپلیتیکی و تراز تجاری ناپایدار با آمریکا باشد.

نقشه جهانی تعرفه‌های جدید آمریکا



منبع: مجمع جهانی اقتصاد

۴. تحلیل بخشی سیاست‌های تعرفه‌ای آمریکا

در ادامه، آثار و تبعات این سیاست‌های تعرفه‌ای بر بخش‌های مختلف صنعتی و بازارهای جهانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سه حوزه مهم که مستقیماً تحت تأثیر این سیاست‌ها قرار گرفته‌اند عبارت‌اند از: انرژی (نفت)، فلزات پایه (فولاد و آلومینیوم) و صنعت خودرو.

۴.۱. بخش انرژی (نفت)

سیاست تعرفه‌ای جدید آمریکا به طور مستقیم حوزه انرژی و به‌ویژه بازار نفت را تحت تأثیر قرار داده است. ابتکار عمل دولت آمریکا در اعمال تعرفه بر نفت کشور ونزوئلا و به عبارت دقیق‌تر، بر کشورهایی که از ونزوئلا نفت خریداری می‌کنند، یک سازوکار غیرممتعارف در به کارگیری تعرفه به عنوان ابزار سیاست خارجی به شمار می‌آید.

این اقدام در کوتاه‌مدت باعث کاهش دسترسی ونزوئلا به بازارهای صادراتی و محدود شدن عرضه نفت آن در بازار جهانی می‌شود. در نتیجه، از آنجا که ونزوئلا یکی از تامین‌کنندگان نفت سنگین در بازار بین‌المللی است، حذف بخشی از نفت این کشور از زنجیره تأمین می‌تواند منجر به کاهش عرضه جهانی نفت خام گردد. کاهش عرضه جهانی، به ویژه در شرایطی که تقاضای نفت تغییری نکند یا در حال افزایش باشد، معمولاً باعث افزایش قیمت نفت در بازارهای بین‌المللی خواهد شد. به بیان دیگر، سیاست تعرفه‌ای آمریکا در بخش انرژی (از طریق اعمال نوعی تحریم ثانویه تعرفه‌ای بر نفت ونزوئلا) نقش یک شوک افزایشی بر قیمت نفت را ایفا می‌کند.

افزایش قیمت نفت در پی این سیاست می‌تواند پیامدهای گسترده اقتصادی داشته باشد. از یک سو، کشورهای صادرکننده نفت و شرکت‌های نفتی رقیب ممکن است از قیمت‌های بالاتر سود ببرند و درآمدهای نفتی‌شان افزایش یابد. حتی تولیدکنندگان نفت شیل در آمریکا نیز در قیمت‌های بالاتر انگیزه بیشتری برای افزایش تولید خواهند داشت. از سوی دیگر، کشورهای مصرف‌کننده نفت (به‌ویژه واردکنندگان بزرگ آسیایی و اروپایی) متحمل هزینه‌های بیشتری برای تأمین انرژی می‌شوند و ممکن است با فشار تورمی و کاهش رشد اقتصادی روبه‌رو گردند. بازار انرژی در چنین شرایطی با بی‌ثباتی و نوسان بیشتر مواجه خواهد شد؛ چرا که عدم قطعیت در مورد ادامه یا تشدید این سیاست‌ها می‌تواند تصمیم‌گیری تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را پیچیده‌تر کند. همچنین احتمال می‌رود برخی کشورها برای دور زدن این تعرفه‌ها و تأمین نفت، به تأمین‌کنندگان جایگزین (مانند روسیه یا حتی ایران) روی آورند که این خود باعث تغییر در جریان‌های تجارت نفت و روابط انرژی بین کشورها می‌شود.

در مجموع، اقدام تعرفه‌ای آمریکا در حوزه نفت بیانگر به کارگیری ابزار تجاری در خدمت اهداف ژئوپولیتیکی است. این روبه علاوه بر تشدید فشار اقتصادی بر دولت ونزوئلا، بر توازن عرضه و تقاضای جهانی نفت اثرگذار بوده و به افزایش قیمت‌ها انجامیده است. هرچند افزایش قیمت نفت ممکن است در کوتاه‌مدت به نفع صنعت نفت آمریکا (از لحاظ سودآوری شرکت‌های

نفتی) و دیگر تولیدکنندگان تمام شود، اما تبعات آن برای ثبات بازار انرژی و رشد اقتصاد جهانی مخاطره‌آمیز خواهد بود. به طور خلاصه، سیاست تعرفه‌ای اخیر آمریکا در بخش انرژی با مختل کردن عرضه نفت یک کشور عضو اوپک، موجب افزایش قیمت و نااطمینانی در بازار جهانی انرژی شده است.

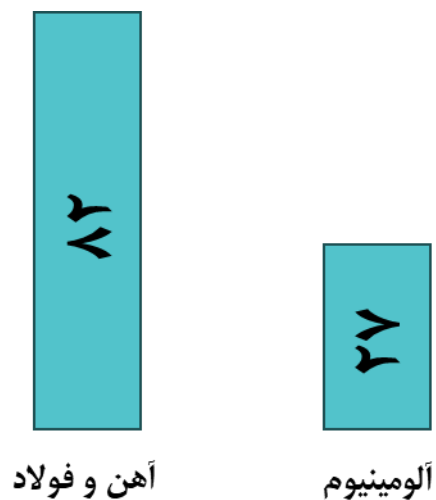
۲.۴. بخش فولاد و آلومینیوم

اقدام دولت آمریکا در افزایش تعرفه‌های وارداتی فولاد و آلومینیوم بر پایه استدلال «امنیت ملی» (ذیل بخش ۲۳۲ قانون تجارت) تأثیرات عمیقی بر زنجیره تأمین فلزات پایه در سطح جهانی داشته است. با اجرای این سیاست، از ۱۲ مارس ۲۰۲۵ تمامی صادرکنندگان فولاد و آلومینیوم به بازار آمریکا با تعرفه سنگین ۲۵ درصدی مواجه شده‌اند. این تعرفه‌ها که پیش‌تر (در سال ۲۰۱۸) نیز اعمال شده بودند اما شماری از متحدین آمریکا از آن معافیت داشتند، این بار به شکل فراگیر و بدون معافیت کشورها اعمال گردیدند. رویکرد جدید نشان‌دهنده تمرکز واشنگتن بر تقویت امنیت صنعتی و حمایت از تولید داخلی فولاد و آلومینیوم است؛ صنایعی که از دید دولت آمریکا برای زیرساخت‌ها و صنایع دفاعی جنبه راهبردی دارند. در واقع آمریکا استدلال می‌کند که وابستگی بیش از حد به واردات این فلزات می‌تواند در شرایط بحرانی، توان صنعتی و دفاعی کشور را تضعیف کند.

از منظر بازار داخلی آمریکا، اعمال تعرفه ۲۵ درصدی موجب افزایش قیمت فولاد و آلومینیوم وارداتی می‌شود که این امر به نفع تولیدکنندگان داخلی است؛ زیرا محصولات خارجی گران‌تر شده و قدرت رقابت‌شان کاهش می‌یابد. گزارش‌ها حاکی است که ایالات متحده حدود ۲۵ درصد از فولاد مصرفی خود و نزدیک به ۵۰ درصد از آلومینیوم مورد نیازش را از محل واردات تأمین می‌کند. بنابراین، افزایش تعرفه احتمالاً باعث خواهد شد تولیدکنندگان داخلی سهم بیشتری از بازار را به دست آورند و ظرفیت‌های خالی کارخانه‌های فولاد و آلومینیوم آمریکا پر شود. این موضوع برای اشتغال و سرمایه‌گذاری در صنایع فلزی آمریکا یک فرصت تلقی می‌شود.

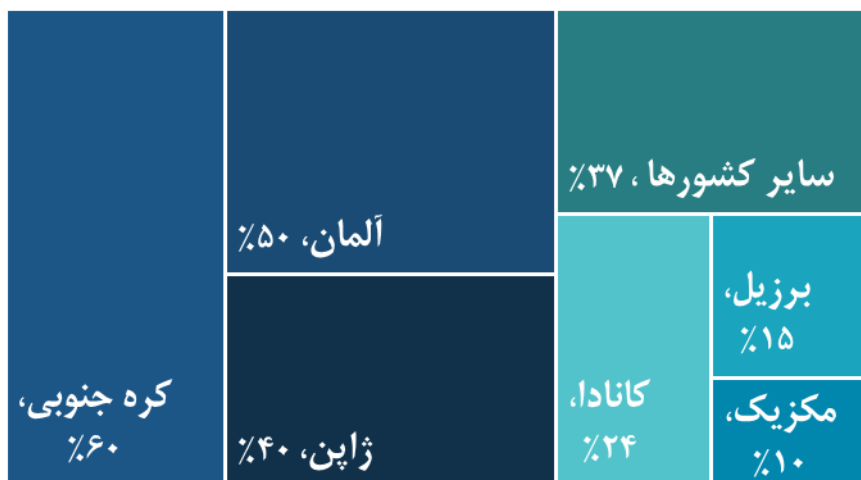
با این حال، هزینه‌های اقتصادی و تجاری ثانویه این سیاست نیز قابل توجه‌اند. صنایع مصرف‌کننده فولاد و آلومینیوم در آمریکا (نظیر صنعت خودروسازی، هوافضا، ساختمان‌سازی و ماشین‌آلات) با افزایش هزینه مواد اولیه مواجه خواهند شد که می‌تواند قیمت نهایی محصولاتشان را بالا برده و قدرت رقابت آنها را حتی در بازار داخلی کاهش دهد. از منظر روابط تجاری بین‌المللی، شرکای تجاری مهم آمریکا نظیر اتحادیه اروپا، کانادا، کره جنوبی، ژاپن و... که صادرات قابل توجهی به بازار آمریکا داشتند، اکنون متضرر می‌شوند. احتمال واکنش‌های تلافی‌جویانه از سوی برخی کشورها (مانند وضع تعرفه بر کالاهای صادراتی آمریکا به آن کشورها) وجود دارد که می‌تواند به جنگ تجاری متقابل منجر شود. همچنین مازاد عرضه فولاد و آلومینیوم در بازار جهانی (ناشی از عدم امکان صدور به آمریکا) ممکن است به افت قیمت جهانی این محصولات منجر گردد و تولیدکنندگان در سایر کشورها را با چالش مواجه کند. به طور خلاصه، در بخش فولاد و آلومینیوم، سیاست تعرفه‌ای آمریکا ضمن اینکه در راستای خودکفایی صنعتی و کاهش وابستگی تعریف شده، اما ریسک اختلال در بازارهای جهانی، افزایش هزینه تولید در پایین‌دست و تنش تجاری با متحدین را به همراه دارد.

نمودار ۳. واردات فولاد و آلومینیوم آمریکا در سال ۲۰۲۴ (میلیارد دلار)



منبع: مجمع جهانی اقتصاد

نمودار ۴. سهم واردات فولاد آمریکا به تفکیک کشور مبدأ



منبع: مجمع جهانی اقتصاد

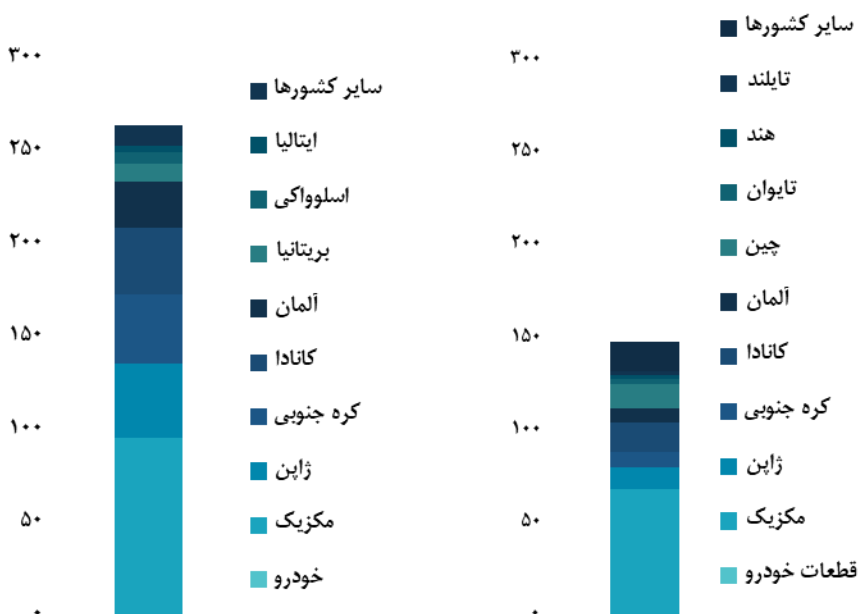
۳.۴. بخش خودرو و قطعات خودرو

اعمال تعرفه ۲۵ درصدی بر واردات خودرو و قطعات خودرو توسط آمریکا (بر مبنای همان بخش ۲۳۲) گام دیگری در راستای سیاست حمایت از صنایع داخلی به شمار می‌رود. صنعت خودروسازی برای بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته از جمله آلمان، ژاپن، کره جنوبی و حتی کانادا و مکزیک از بخش‌های کلیدی صادرات به آمریکا است. تصمیم آمریکا برای وضع تعرفه سنگین بر خودروهای سواری، وانت و قطعات یدکی خارجی، به معنی ایجاد تکانه‌ای بزرگ در این صنعت است. هدف اعلامی واشنگتن، کاهش واردات خودرو به نفع خودروسازان آمریکایی و جلوگیری از تضعیف این صنعت راهبردی عنوان شده است.

یکی از نتایج فوری این اقدام، افزایش قیمت خودروهای وارداتی در بازار آمریکا خواهد بود. مصرف‌کنندگان آمریکایی احتمالاً با افزایش قیمت خودروهای خارجی (اعم از خودروهای اروپایی و آسیایی) مواجه می‌شوند و حتی خودروهایی که به صورت مونتاژ داخل عرضه می‌شوند اما دارای قطعات وارداتی هستند نیز با افزایش قیمت روبه‌رو خواهند شد. این موضوع می‌تواند تقاضا را به سمت خودروهای تولید داخل سوق دهد و در کوتاه‌مدت برای خودروسازان آمریکایی یک مزیت رقابتی ایجاد کند. همچنین، خودروسازان بین‌المللی برای حفظ دسترسی به بازار پرسود آمریکا ممکن است ترغیب شوند که تولید را به داخل آمریکا منتقل کنند یا درصد بیشتری از قطعات را از تامین‌کنندگان آمریکایی بخرند تا از تعرفه مصون بمانند؛ اتفاقی که به نفع اشتغال و سرمایه‌گذاری در داخل آمریکا تمام خواهد شد.

در مقابل، این سیاست می‌تواند واکنش منفی شرکای تجاری را در پی داشته باشد. اتحادیه اروپا پیش‌تر تهدید کرده بود در صورت اعمال تعرفه خودرو، مقابله به مثل خواهد کرد (مثلاً تعرفه بر محصولات نمادین آمریکایی). همچنین کشورهایی مانند ژاپن و کره جنوبی که شرکت‌های خودروسازی‌شان سرمایه‌گذاری زیادی در بازار آمریکا کرده‌اند، چنین تعرفه‌ای را مغایر روح همکاری‌های تجاری می‌دانند. این تنش‌ها می‌تواند مذاکرات تجاری آینده آمریکا با این کشورها را پیچیده کند. افزون بر این، افزایش هزینه قطعات (به دلیل تعرفه) ممکن است حتی به خودروسازان آمریکایی که از قطعات خارجی در خطوط تولیدشان استفاده می‌کنند آسیب بزند و حاشیه سود آنها را کاهش دهد. هرچند برای همسایگان نزدیک آمریکا (مکزیک و کانادا) تا حدی استثناهایی در نظر گرفته شده و در صورتی که درصد مشخصی از یک خودرو ساخت آمریکا یا آمریکای شمالی باشد تعرفه کمتری اعمال می‌شود، با این حال شرکت‌های خودروسازی در این کشورها نیز با عدم قطعیت و نیاز به بازنگری در زنجیره تامین خود روبه‌رو خواهند شد. خلاصه آنکه در بخش خودرو نیز سیاست تعرفه‌ای آمریکا دارای دو روی سکه است: از یک سو حمایت مقطعی از خودروسازان داخلی و تحریک تولید داخل و از سوی دیگر اختلال در تجارت آزاد، افزایش تنش با متحدین و بالا رفتن هزینه برای مصرف‌کنندگان و حتی تولیدکنندگان وابسته به قطعات وارداتی.

نمودار ۵. مبدأ واردات خودرو و قطعات خودرو به آمریکا (میلیارد دلار)



خودرو
کل واردات؛
۲۶۹ میلیارد دلار

قطعات خودرو
کل واردات؛
۱۴۹ میلیارد دلار

منبع: مجمع جهانی اقتصاد

۵. فرصت‌ها و تهدیدهای خاص برای ایران

سیاست‌های تعرفه‌ای جدید آمریکا علی‌رغم آنکه مستقیماً متوجه ایران نبوده‌اند (زیرا روابط تجاری رسمی میان ایران و آمریکا به دلیل تحریم‌ها بسیار محدود است)، اما می‌توانند به طور غیرمستقیم فرصت‌ها و تهدیدهایی را برای اقتصاد و تجارت خارجی ایران به همراه داشته باشند. در این بخش، این فرصت‌ها و تهدیدهای بالقوه از منظر منافع ملی ایران بررسی می‌شوند.

۱.۵. فرصت‌های بالقوه برای ایران

- **افزایش درآمد نفتی در صورت رشد قیمت نفت:** یکی از مهم‌ترین فرصت‌ها برای ایران می‌تواند ناشی از افزایش قیمت جهانی نفت باشد. همان‌گونه که تحلیل شد، اقدامات اخیر آمریکا در محدود کردن نفت ونزوئلا احتمالاً

قیمت نفت را در بازارهای بین‌المللی بالا نگه می‌دارد. ایران به عنوان دارنده منابع عظیم نفت و گاز، هرچند به دلیل تحریم‌ها با محدودیت در صادرات نفت مواجه است، اما همچنان بخشی از نفت خود را (به ویژه به کشورهای آسیایی مثل چین) صادر می‌کند. افزایش قیمت نفت به طور مستقیم به نفع ایران خواهد بود، چرا که حتی با ثابت ماندن حجم صادرات، درآمد ارزی بیشتری عاید کشور می‌شود. این افزایش درآمد نفتی می‌تواند تا حدی کسری بودجه دولت را جبران کرده و منابع مالی بیشتری برای توسعه داخلی فراهم آورد. به علاوه، در شرایط قیمت‌های بالای نفت، انگیزه برخی خریداران برای پیدا کردن منابع جایگزین نفت (از جمله نفت ایران با تخفیف‌های احتمالی) بیشتر می‌شود و ایران ممکن است بتواند سهم بیشتری از بازار غیررسمی نفت را به دست آورد. به بیان دیگر، گرانی نفت می‌تواند فضای مانور ایران را در دور زدن تحریم‌ها و فروش نفت خود افزایش دهد.

- **فرصت در بازارهای صادراتی غیرنفتی:** سیاست تعرفه‌ای تهاجمی آمریکا علیه رقاباتی چون چین ممکن است آن کشورها را به سمت تأمین کالا از منابع دیگر سوق دهد. برای مثال، چین به عنوان بزرگ‌ترین هدف تعرفه‌های آمریکا، ممکن است در تأمین برخی کالاهای واسطه‌ای یا مواد خام به کشورهای دیگر روی آورد. هرچند سهم ایران در تجارت جهانی به دلیل محدودیت‌ها اندک است، اما فرصت دارد تا برای برخی نیازهای چین و دیگر کشورهای آسیایی (مانند مواد پتروشیمی، فولاد، مواد معدنی) نقش تأمین‌کننده جایگزین را ایفا کند. به طور مشخص، ایران در تولید فولاد و محصولات پتروشیمی مزیت‌هایی دارد و می‌تواند در صورت تشدید جنگ تجاری آمریکا و چین، صادرات خود را به چین افزایش دهد. همچنین اگر کشورهای همسایه ایران (مانند ترکیه یا هند) در نتیجه تغییر الگوهای تجاری جهانی به دنبال شرکای جدید باشند، ایران می‌تواند از طریق توافقات دوجانبه یا منطقه‌ای، روابط تجاری خود را با آنان تقویت کند. در مجموع، بازآرایی زنجیره‌های تأمین جهانی بر اثر سیاست‌های تعرفه‌ای آمریکا ممکن است فرصت‌هایی هرچند محدود برای صادرکنندگان ایرانی فراهم سازد تا کالاهای خود را در بازارهای منطقه‌ای و آسیایی عرضه کنند.

- **کاهش تمرکز فشار آمریکا بر ایران:** از منظر ژئوپلیتیکی، مشغول شدن آمریکا در یک جنگ تجاری گسترده با چین و تنش‌های تجاری با روسیه، اروپا و سایرین، می‌تواند تا حدی تمرکز فشار آمریکا را از ایران منحرف کند. به بیان دیگر، در اولویت‌بندی تهدیدهای واشنگتن، مسائل تجاری و رقابت با چین ممکن است انرژی و توجه بیشتری را به خود معطوف کند و در نتیجه ایران در حاشیه قرار گیرد. این فرصت می‌تواند در حوزه‌هایی مانند کاهش فشار برای اجماع جهانی علیه ایران یا ایجاد شکاف بین آمریکا و برخی متحدانش بر سر نحوه برخورد با ایران بروز پیدا کند. هرچه روابط آمریکا با شرکای سنتی‌اش بر سر تجارت تیره‌تر شود، امکان مانور ایران در روابط اقتصادی با آن کشورها (مثلاً کشورهای اروپایی یا هند) افزایش می‌یابد. البته این یک فرصت غیرمستقیم و مشروط است و

تضمینی برای بهره‌برداری ایران از آن وجود ندارد، اما از منظر استراتژیک می‌تواند فضایی برای تنفس دیپلماتیک و اقتصادی ایجاد کند.

۲.۵. تهدیدهای بالقوه برای ایران

- **کاهش قیمت نفت در سناریوی رکود جهانی:** در کنار احتمال افزایش قیمت نفت، سناریوی معکوس نیز می‌تواند برای ایران تهدیدزا باشد. اگر سیاست‌های تعرفه‌ای آمریکا منجر به یک جنگ تجاری فراگیر و رکود در اقتصاد جهانی شود، تقاضای جهانی برای انرژی از جمله نفت کاهش خواهد یافت. در چنین حالتی، حتی بدون فشار مستقیم آمریکا، قیمت نفت ممکن است روند نزولی پیدا کند. برای اقتصاد ایران که وابستگی بالایی به درآمدهای نفتی دارد، افت قیمت نفت یک تهدید جدی محسوب می‌شود؛ زیرا مستقیماً درآمدهای ارزی و بودجه دولت را تحت فشار قرار می‌دهد. کاهش قیمت نفت در گذشته نیز بارها منجر به تشدید مشکلات اقتصادی ایران (مانند کسری بودجه، کاهش ارزش پول ملی و افت رشد اقتصادی) شده است. بنابراین هر گونه ضربه به اقتصاد جهانی که موجب افت تقاضا و قیمت نفت شود، یکی از مخاطرات غیرمستقیم سیاست‌های تجاری آمریکا برای ایران خواهد بود.
- **تشدید رقابت و فشار بر صادرات غیرنفتی ایران:** اعمال تعرفه‌های آمریکا بر کشورهای دیگر می‌تواند به مزاد عرضه برخی کالاها در بازار جهانی منجر شود و قیمت آن‌ها را کاهش دهد. برای مثال، اگر فولادسازان کشورهای صادرکننده به آمریکا (مانند چین یا ترکیه) نتوانند به آن بازار صادر کنند، ممکن است محصولات خود را روانه بازارهای منطقه‌ای و جهانی (از جمله خاورمیانه) نمایند و رقابت و فشار را تشدید کنند. ایران نیز به عنوان صادرکننده فولاد و محصولات پتروشیمی، با این رقابت فزاینده و احتمال افت قیمت جهانی کالاهای پایه مواجه می‌شود که می‌تواند درآمد صادراتی غیرنفتی کشور را تحت تأثیر قرار دهد. افزون بر این، سیاست‌های جدید آمریکا ممکن است الگوهای تجاری را به نحوی تغییر دهد که جایگاه کالاها و تولیدات ایرانی در بازار همسایگان تضعیف شود. به عنوان نمونه، اگر تولیدکنندگان چینی به خاطر تعرفه‌های آمریکا تمرکز خود را بر بازارهای آسیایی و خاورمیانه افزایش دهند، شرکت‌های ایرانی در رقابت با آنها برای صادرات کالاهای مشابه (مانند محصولات شیمیایی یا معدنی) با دشواری بیشتری روبرو خواهند شد.
- **افزایش فشارهای ثانویه بر شرکای تجاری ایران:** اقدام آمریکا در استفاده از اهرم تعرفه برای تنبیه کشورهایی که با ونزوئلا روابط تجاری (نفتی) دارند، می‌تواند یک الگوی خطرناک برای ایران باشد. ایالات متحده تاکنون برای محدود کردن تجارت نفت و گاز ایران عمدتاً از ابزار تحریم مستقیم و تهدید مجازات‌های ثانویه مالی استفاده می‌کرده است. اما اکنون واشنگتن نشان داده که حتی می‌تواند از تعرفه به عنوان سلاح فشار اقتصادی ثانویه بهره گیرد. این به آن معناست که در صورت تشدید تنش با ایران، آمریکا ممکن است رویکرد مشابهی را در قبال کشورهایی که از ایران خرید می‌کنند در پیش گیرد؛ مثلاً بر واردات از کشورهایی که خریدار نفت یا محصولات

پتروشیمی ایران هستند، تعرفه سنگین وضع کند. چنین سناریویی اگرچه در حال حاضر صرفاً یک احتمال است، اما در صورت وقوع، می‌تواند **شراکای بازرگانی باقی‌مانده ایران را دچار تردید و عقب‌نشینی کند و عملاً** کار تجارت خارجی ایران را دشوارتر از پیش سازد.

- **پیچیده‌تر شدن فضای سرمایه‌گذاری و روابط مالی:** جو بی‌ثبات ناشی از جنگ تجاری و سیاست‌های تعرفه‌ای ممکن است فضای کلی سرمایه‌گذاری و تجارت در سطح بین‌المللی را ناامن‌تر کند. در چنین شرایطی، کشورهایی که پیش‌تر تمایل محتاطانه‌ای برای همکاری اقتصادی با ایران داشتند، ممکن است با احتیاط بیشتری عمل کنند؛ چرا که عدم قطعیت در مورد جهت‌گیری اقتصاد جهانی و نظام تجاری بین‌الملل، انگیزه برای ورود به بازارهای پرریسک مانند ایران را کاهش می‌دهد. به علاوه، اختلال در نظام تجارت آزاد ممکن است نظام مالی جهانی را نیز ملتهب کند و دسترسی ایران به منابع مالی خارجی و سرمایه‌گذاری را (که پیش‌تر هم تحت تأثیر تحریم‌ها محدود بود) سخت‌تر نماید. به طور کلی، هر بحرانی در نظام تجارت جهانی برای اقتصادهای آسیب‌پذیر و تحت تحریم مانند ایران می‌تواند شوک‌های مضاعف ایجاد کند.

۶. جمع‌بندی

چرخش ایالات متحده از حامی تجارت آزاد به بازیگر حمایت‌گرا، با بسته‌ای کم‌سابقه از تعرفه‌های فراگیر - از فولاد و آلومینیوم تا خودرو و «تعرفه‌های متقابل» بر کل واردات - اقتصاد جهانی را وارد فاز جدیدی از بازآرایش زنجیره‌های تأمین کرده است. واشنگتن امروز تعرفه را نه فقط سپر تولید داخلی، بلکه اهرم ژئوپولیتیک می‌داند؛ از فشار مستقیم بر رقبا (چین) تا تنبیه ثانویه خریداران نفت و نزوئلا. نتیجه، بروز شوک‌های هم‌زمان قیمت و ریسک در سه جبهه راهبردی انرژی، فلزات پایه و صنعت خودرو است؛ جبهه‌هایی که به سرعت جغرافیای مزیت و هزینه را برای صادرکنندگان و واردکنندگان جهان دگرگون می‌کنند.

برای ایران این بازی دو رو دارد: در سوی فرصت، جهش احتمالی قیمت نفت و جست‌وجوی بازارهای جایگزین توسط چین و دیگر اقتصادهای آسیایی می‌تواند درآمد ارزی و سهم صادرات غیرنفتی ایران را (در فولاد، پتروشیمی و مواد خام) افزایش دهد و حتی بخشی از فشار تحریم‌ها را تخفیف بخشد. در سوی تهدید، خطر رکود ناشی از جنگ تجاری، سقوط قیمت نفت و تشدید رقابت مازاد تولید فولاد و آلومینیوم بر سر بازارهای منطقه‌ای، همراه با امکان تعمیم تعرفه‌های ثانویه آمریکا به شرکای ایران، چشم‌انداز صادرات و دسترسی مالی کشور را شکننده می‌کند. راهبرد ایران باید «موازنه فرصت - تهدید» باشد: تنوع سبد صادرات، تحکیم کانال‌های مالی غیرغربی و چابکی دیپلماتیک برای بهره‌گیری از شکاف‌های ناشی از اختلاف واشنگتن با متحدانش، تا در گردباد تعرفه‌ها، وزن تهدید بر فرصت غلبه نکند.